

اینکه یک عده‌ای تحت عناوین گوناگون به قصد تخریب و ناامن کردن کشور پشت سر بازاری‌های مؤمن و سالم و انقلابی قرار بگیرند و از اعتراض آنها سوءاستفاده کنند و اغتشاش کنند، اصلاً قابل قبول نیست، مطلقاً.

گاهنامه مرکز گام دوم انقلاب اسلامی دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان خوزستان

این شماره تقدیم میشود به
طلبه شهید
میلاد میداودی
او بسیجی ۱۹ ساله‌ی فدایی وطن بود
که در جریان اغتشاشات هفته‌ی
گذشته در شهرستان شوشتر به شهادت
رسید.



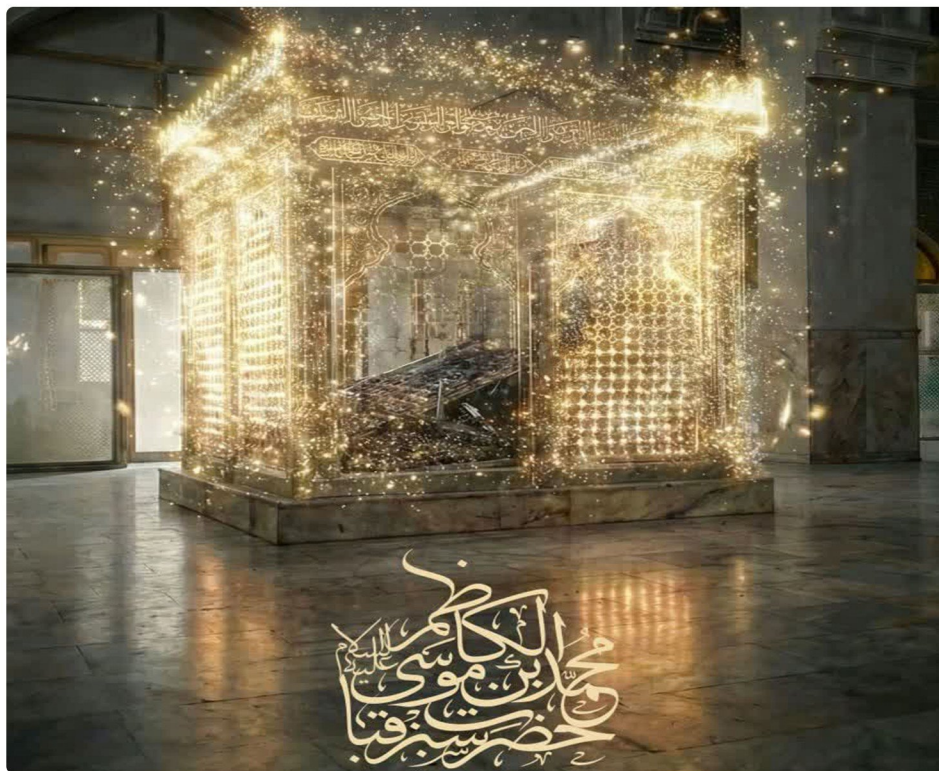
ترامپ قاتل، زهی خیال باطل

خطبه نگار

۱ سلول به سلول آغشته به ولایت

نماز جمعه‌ی ۳ بهمن ماه - حجت‌الاسلام والمسلمین موسی فرد

فشار حداکثری بر سپاه پاسداران، بیانگر اثربخشی و کارآمدی این نهاد مقدس در مسیر انقلاب اسلامی است که موجبات ترس دشمنان نسبت به عظمت سپاه را رقم زده است. سلول به سلول رگ‌های پاسداران انقلاب اسلامی آغشته به ولایت حضرت امیرالمؤمنین (ع) و ولایت فقیه امام خامنه‌ای است. در جریان فتنه آمریکایی-صهیونیستی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و اغتشاشات اخیر، برخی از موقعیت‌های مهم هویتی مسلمان ایرانی مورد تعرض قرار گرفت. در هشت سال دفاع مقدس، دشمن هر عملیاتی که علیه یک نقطه انجام می‌داد نشان دهنده توانمندی ایران اسلامی در آن نقطه بود. در فتنه اخیر، دشمن بر مساجد آتش تهیه می‌ریخت که بالغ بر ۲۵۰ مسجد و حسینیه را به آتش کشیدند و این یک رخداد اتفاقی نبود. بنا به تعبیر امام راحل، مسجد سنگر است و کانون مدیریت حوادث و صحنه‌های مختلف عمر با برکت انقلاب اسلامی، است. این آتش تهیه دشمن یک پیام مهم دارد که دشمن می‌خواهد این سنگر را بشکند. تلاش دشمن همواره بر قطع ارتباط مردم با مساجد و بی‌هویت کردن آنها بوده است. دشمن با حمله به مساجد به دنبال حذف موقعیت نمایش هویت یک مسلمان ایرانی بود. با دید دوباره به جایگاه واقعی مساجد برگردیم چراکه این موقعیت، دشمن را عصبانی کرده است. در هشت سال دفاع مقدس آنکه توانست نیرو تربیت کند، مساجد بود. بیرون راندن رژیم شاهنشاهی از ایران نیز به برکت آن مکان مقدس اتفاق افتاده و اکنون دست نشاندۀ های رژیم آن را نشانه گرفته‌اند. فتنه اخیر چهار ضلع فعال داشت که ضلع اول اعمال حداکثری خشونت فراگیر علیه هرچیزی که رنگه و بوی ایرانی اسلامی داشت، ضلع بعدی نیز از میان برداشتن مردمی که عامل اصلی حفظ ایران اسلامی در سالیان گذشته بودند است. ضلع سوم نیز تهدید به حمله نظامی برای ایجاد رعب و وحشت است اما آمریکای جنایتکار بداند که ملت ایران از آرمان‌های خود کوتاه نخواهد آمد و با حمله دیگر، اسرائیل را از صفحه روزگار پاک خواهیم کرد. ضلع چهارم باختلافی در ارکان نظام و راه افتادن بحث‌های جناحی ناظر به دو قطبی کردن مجموعه است.



۴

مشکل معیشت

وضع اقتصادی وضع خوبی نیست؛ معیشت مردم حقیقتاً مشکل دارد؛ بنده میدانم این را آنها هم در این زمینه‌ها بایستی دو برابر کار کنند. برای کالاهای اساسی، برای نهادهای دامی، برای اوراق لازم، برای نیازهای عمومی مردم، مسئولین دولتی باید دو برابر همیشه کار کنند؛ با جدّیت بیشتری باید کار کنند؛ در این تردیدی نیست. هم آنها وظایفی دارند، هم ما مردم وظایفی داریم؛ باید به وظایفمان عمل کنیم. اگر ما به وظایف عمل کردیم، خدای متعال به کار ما برکت خواهد داد

دیدار اقرار مختلف مردم با رهبر انقلاب در سالروز بعثت پیامبر اعظم (ص)
۱۴۰۳/۱/۲۷

۳

پیاده نظام

جمعی که دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل با دقّت اینها را انتخاب کرده بودند، پیدا کرده بودند، اغلب را خارج پُرده بودند، بعضی‌ها را هم در همین جا آموزش داده بودند که چه جوری حرکت کنید، چه جوری آتش بریزید، چه جوری ترس ایجاد کنید، با رژیم صهیونیستی و با فلان دستگاه جاسوسی ارتباطی نداشتند، نو جوان خامی است که با او حرف می‌زنند، تحت تأثیر قرارش میدهند، هیجان برایش به وجود می‌آورند؛ جوانها هم هیجانی‌اند، نو جوان‌ها هیجانی‌اند، می‌آیند وارد میدان میشوند، کارهایی میکنند که نباید بکنند، شیطنتهایی میکنند که نباید بکنند. اینها پیاده نظامند؛

۲

مجرم

شخص رئیس‌جمهور آمریکا، شخص خود او، در این فتنه دخالت کرد، حرف زد، اظهار نظر کرد، تهدید کرد، فتنه‌گران را تشویق کرد؛ پیغام داد از آمریکا به این کسانی که حالا بعد خواهیم گفت چه کسانی بودند، که بروید جلو، ترسید؛ گفت از شما حمایت میکنیم، حمایت نظامی میکنیم؛ یعنی خود رئیس‌جمهور آمریکا، وارد فتنه شد و جزو فتنه است. یک عده، یک تعدادی، این مجموعه‌ای که تخریب کردند و آتش زدند و رفتند و کارهای خلاف کردند و آدم کشتند، اینها را [به عنوان] ملت ایران معرفی کرد؛ یعنی تهمت بزرگی به ملت ایران زد؛ گفت اینها ملت ایرانند و من می‌خواهم از ملت ایران دفاع کنم. اینها جریم است.

۱

بابر نامه‌ی قبلی

ماهیت فتنه، این یک فتنه‌ی آمریکایی بود. واضح بود؛ آمریکایی‌ها برنامه‌ریزی کردند، فعالیت کردند. هدف آمریکایی‌ها هم این را من قاطع، صریح، با تجربه‌ی چهل و چند ساله‌ی در جمهوری اسلامی عرض میکنم بلعیدن ایران است. این سلطه‌ای که اینها بر این کشور داشتند، به دست مردم، به دست جوانها، به دست آحاد مردم در سراسر کشور و با رهبری امام بزرگوار از بین رفت؛ و از اوّل انقلاب تا امروز، اینها به فکرند که این سلطه را برگردانند؛ یعنی باز ایران را تحت سلطه‌ی نظامی خودشان، تحت سلطه‌ی سیاسی خودشان، تحت سلطه‌ی اقتصادی خودشان قرار بدهند؛ هدف این است. این مربوط به رئیس‌جمهور فعلی آمریکا هم نیست.

بلعیدن ایران

امین بصیری

اعتراض خارج از قانون

دکتر مرتضی قسّونی

تجلی بعثت در عصر غربت معنا

حجت الاسلام حیدری تبار

با شروع آشوب جدیدی همان سوال همیشگی مطرح می‌شود که آیا این هزینه‌های ناشی از مقاومت در برابر بخشی از قدرت‌های برتر دنیا صرفاً بخاطر وجود نظام سیاسی حاکم در ایران است یا مربوط به اصل ایران به شکل جغرافیای خودش هم می‌شود. خارج از دعوای آزادی خواهانه با منطق رایج این گزاره را بررسی میکنم.

میز سیاست خارجی و مقاومت

صفحه ۲ قسمت ۳

حق اعتراض از جمله حقوق بنیادین شهروندان است که در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است. به موجب این اصل، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح و به شرط آنکه مخلّ مبانی اسلام نباشد، آزاد است و ...

میز عدالت و مبارزه فساد

صفحه ۲ قسمت ۲

جهان معاصر، بیش از آنکه درگیر ستیز سلاح‌ها باشد، در احتضار هولناک «معنا» دست و پا می‌زند. ما در دورانی به سر می‌بریم که تمدن مدرن، انسان را در میان انبوهی از ابزارها، الگوریتم‌ها و نقشه‌های پیچیده فناوریانه محاصره کرده است و ...

میز سبک زندگی

صفحه ۲ قسمت ۱

تجلی بعثت در عصر غربت معنا

حجت الاسلام جعفری تبر، کارشناس حوزه سبک زندگی

بیانات مقام معظم رهبری:

در تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

بعثت پیغمبر، مظهر تمدن واقعی بشر است؛ یعنی اگر بشریت بخواهد به بهترین وجه زندگی کند، باید با برنامه‌ای که در بعثت ارائه شد؛ با آن برنامه است که می‌تواند خوب زندگی کند.

جهان معاصر، بیش از آنکه درگیر ستیز سلاح‌ها باشد، در احتضار هولناکی «معنا» دست و پا می‌زند. ما در دوران به سر می‌بریم که تمدن مدرن، انسان را در میان انبوهی از ابزارها، الگوریتم‌ها و نقشه‌های پیچیده فناوریانه محاصره کرده است. اما این تمدن پر زرق و برق، با تمام درخشندگی ظاهری‌اش، از یک حفره بزرگ رنج می‌برد: ناتوانی مطلق در تبیین «حقیقت سعادت».

انحصار در پوسته‌ی ماده؛ بن‌بست عقل خودبنیاد: سیطره‌ی تمدنی غرب بر بنیاد کشف «سنت‌های مادی» استوار است. عقل ابزاری (Science) با تمام فتوحات شگرفش در ساحت تجربه، تنها بر نیمی از واقعیت عالم چیره شده است. اما فاجعه از آنجایی آغاز شد که بشر گمان کرد با شناخت قوانین مادی، از دفترچه راهنمای هستی بی‌نیاز شده است. این نگاه تک‌ساحتی، فرجامی جز «اضطراب وجودی» و «فسودی تمدن» نخواهد داشت؛ چرا که ابزار، هرگز جایگزین معنا نمی‌شوند.

وحی؛ گشایش افق‌های «ما لم تکنوا تعلمون»: در این میانه، که یک واقعه‌ی محصور در تقویم، که یک «انفجار تمدنی» و رستاخیز معرفتی است. قرآن کریم در آیه ۱۵۱ سوره بقره، با بیانی قاطع، مرز انحصاری دانش پیامبران را ترسیم می‌کند: «وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ». این آیه، برهانی استوار بر این حقیقت است که بخشی از سنن حاکم بر عالم (سنت‌هایی مانند: رضایت، برکت، امنیت و پیوندهای ملکوتی روح)، در «انحصار مطلق» وحی است. این‌ها حقایقی هستند که هیچ بنی‌بشری، ولو با قرن‌ها استدلال و تجربه، راهی به سوی ساحت قدسی آن‌ها ندارد.

سبک زندگی توحیدی؛ سنتی از عقل و شهود: در نتیجه سبک زندگی برتر، نه نفی عقل خودبنیاد (ساحت تجربی انسان) است و نه غرق شدن در تجربه و ماده؛ بلکه «تلفیق حکیمانه‌ی» سنت‌های مادی با قوانین لایتغیر معنوی است. ضرورت تبعیت از انبیا، نه یک تعبد محض، بلکه یک «ضرورت عقلانی» برای زیستن در جهانی است که نیمی از قوانین آن فرامادی است. پیامبران آمدند تا «نظم مادی» را با «نور معنا» پیوند بزنند و بشری را که در بن‌بست تجربه گرفتار شده، به ماورای ملموسات رهنمون سازند.

شکست الگوریتم‌ها در برابر حقیقت نفوذناپذیر بر همین اساس، اشتباه استراتژیک غرب در تقابل با هویت برآمده از انقلاب اسلامی، ناشی از جهل به همین سنت‌های معنوی است. آن‌ها با لشکری از رسانه‌ها و الگوریتم‌های «واقعیت‌ساز» به میدان آمدند تا با تکیه بر ابزار، بر حقیقت چیره شوند. اما آنچه محاسبات آن‌ها را ویران ساخت، اصالت هویتی بود که ریشه در «حق» دارد. هویتی که از چشمه‌ی بعثت سیراب شده، نفوذناپذیر است؛ چرا که قدرت «معنا» همواره بر هیبت «ماشین» فائق خواهد آمد.

اعتراض قانونی، اغتشاش مجرمانه

دکتر مرتضی قشوری، پژوهشگر حقوق کیفری

بیانات مقام معظم رهبری:

در تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

اما اعتراض، غیر از اغتشاش است. ما با معترض حرف می‌زنیم؛ مسئولین باید با معترض حرف بزنند اما با اغتشاشگر حرف زدن فایده‌ای ندارد؛ اغتشاشگر را باید به جای خودش نشانند.

حق اعتراض از جمله حقوق بنیادین شهروندان است که در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است. به موجب این اصل، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح و به شرط آنکه مخلل مبانی اسلام نباشد، آزاد است. بنابراین قانون اساسی نه تنها اصل اعتراض، بلکه شیوه‌های جمعی آن از جمله تجمع و راهپیمایی را نیز به عنوان یک حق مشروع شناسایی کرده است. با این حال قاعده عقلی «لاضرر و لاضرر» و نیز اصل ۴۰ قانون اساسی، «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»

بر همین مبنا، مرز میان «اعتراض» و «اغتشاش» شکل می‌گیرد و ضرورت تمایز میان «معترض» و «اغتشاشگر» از منظر حقوق آشکار می‌شود. بر همین اساس، سخن اخیر مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه «صدای معترض باید شنیده شود، اما اغتشاشگر باید سر جای خود نشاند» را می‌توان تحلیلی منطبق با روح و مفاد اصل ۴۰ قانون اساسی دانست؛ اصلی که تصریح می‌کند اعمال هر حق تا جایی محترم است که به اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی نینجامد. از حیث تحلیل حقوقی، اغتشاش را می‌توان از ابعاد و جهات گوناگون مورد بررسی قرار داد. از یک نگاه، این پدیده را می‌توان از دو بعد عمده تحلیل کرد:

۱. بعد امنیتی:

اعتراضات ممکن است به سمت رفتارهایی سوق یابد که در قالب جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور قابل تحلیل باشند. چنانچه رفتارهای ارتکابی واجد عناصری نظیر اقدامات مسلحانه، تخریب گسترده، ایجاد رعب و وحشت عمومی، همکاری با دولت‌های متخاصم یا اخلال سازمان یافته در نظم عمومی باشد، حسب مورد می‌تواند مشمول عناوین مجرمانه پیش‌بینی شده در فصل جرایم علیه امنیت در قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) یا حتی در مواردی، عناوین حدی گردد. این انحراف مسیر اعتراضات و رفتن به سمت اغتشاش و اقدامات امنیتی معمولاً توسط دشمن طرح ریزی و به وسیله عوامل داخلی آن‌ها با هدف براندازی و تضعیف کشور، هدایت می‌شود.

۲. بعد غیر امنیتی:

فارغ از ابعاد امنیتی، اغتشاش به عنوان یک پدیده اجتماعی و باماهو اغتشاش، در سطح رفتارهای عینی (مادی) مجرمانه و نتایج مترتب بر آن نیز قابل بررسی است. در این سطح، آنچه موضوع تحلیل حقوقی قرار می‌گیرد، اعمال مادی همچون تخریب اموال عمومی و خصوصی، ایراد ضرب و جرح، قتل، ایجاد حریق و آتش‌سوزی عمدی، سرقت، اخلال در نظم عمومی و ... است. هر یک از این رفتارها، حسب مورد، دارای عنوان مجرمانه مستقل در قوانین کیفری بوده و مستوجب مسئولیت کیفری و در بسیاری موارد، مسئولیت مدنی ناشی از ورود خسارت نیز می‌باشد. در نتیجه، حتی اگر پدیده اغتشاش را صرفاً از منظر رفتاری و بدون تحلیل زمینه‌های سیاسی یا امنیتی آن بررسی کنیم، ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز علیه اشخاص یا اموال، در هیچ نظام حقوقی تحت عنوان «اعتراض» قابل توجیه نیست. اعتراض در چارچوب قانون، ناظر بر بیان مسالمت‌آمیز مطالبات است؛ در حالی که اغتشاش با توسل به خشونت، تخریب و تعرض به حقوق دیگران شناخته می‌شود. تمایز میان این دو، نه صرفاً یک تفکیک سیاسی، بلکه یک ضرورت حقوقی مبتنی بر اصول حاکم بر مسئولیت کیفری و مدنی است. حفظ حق اعتراض، مستلزم پاسداری همزمان از نظم عمومی و حقوق اشخاص است و هرگونه خلط مفهومی میان اعتراض قانونی و رفتارهای مجرمانه، به تضعیف هر دو منجر خواهد شد.

بلعیدن ایران

امین صبری، پژوهشگر مسائل سیاسی

بیانات مقام معظم رهبری:

در تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

هدف آمریکایی‌ها هم این را من قاطع، صریح، با تجربه‌ی چهل و چند ساله‌ی در جمهوری اسلامی عرض می‌کنم بلعیدن ایران است.

با شروع آشوب جدیدی که به گواه اسناد و مدارک موجود از اعترافات مجرمین داخلی و مواضع خارجی می‌توان آن را سعی جدیدی از ائتلاف آمریکایی-عبری برای براندازی جمهوری اسلامی ایران توصیف کرد همان سوال همیشگی مطرح می‌شود که آیا این هزینه‌های ناشی از مقاومت در برابر بخشی از قدرت‌های برتر دنیا صرفاً بخاطر وجود نظام سیاسی حاکم در ایران است یا مربوط به اصل ایران به شکل جغرافیای خودش هم می‌شود. خارج از دعوای آزادی خواهانه با منطق رایج این گزاره را بررسی می‌کنم.

فهرم معادلات بین الملل: ابتدا باید قبول کرد که بخش بزرگی از مناقشات با هدف دسترسی به منابع دنیا است بعنوان مثال در همین اخبار اخیر مربوط به گرینلند یکی از مهم ترین دلایل اتخاذ چنین تصمیمات عجیب برانگیزی در دنیای حاضر عقب افتادن آمریکا از چین در داشتن منابع کمیاب است، داستان ایران هم وسط مجاری دسترسی به منابع دنیاست، منابع معدنی و به ویژه نفتی که صرفاً با همکاری با غربی‌ها خلاصه نمی‌شود و چاره‌ی کار از نظر آنها سیطره بر نفت ایران همچون ماجرای ونزوئلاست نهایتاً کمی در نوع بهتر رسیدن به یک گاو شیرده است شاید بتوان با برداشت از این معادله گفت بخش بزرگی از ماجرا صرفاً اقتصادیست و در این بین نوع نظام سیاسی یا ایدئولوژی حاکم صرفاً یک حاشیه و اصل برداشت از این منبع است.

پیشینه‌ی تاریخی: به پیوست گزاره‌ی قبلی با نگاهی دیگر می‌توان افزود: دست بترتی که سابقه‌ی انحصار بهره برداری نفت ایران یا انحصار در ظرفیت‌های دیگری چون صنایع فولاد و... را دارد چطور راضی به همکاری عاقلانه و عادلانه شود وقتی مدام در مرور تاریخی خود حس میکند می‌توانست تمام ظرفیت‌ها را در اختیار داشته‌باشد. گواه تاریخی این مسئله پیش از رویداد انقلاب اسلامی اشغال ایران با وجود اعلام سیاست بی‌طرفی و رفتارهای مسالمت آمیز و متعارف پهلوی در دوران جنگ جهانی است. پای نیاز و منفعت که وسط بکشد باید بتوانند از زمین نهایت بهره برداری را کنند. مصدق هم در همین مقوله تعریف میشود مجدد با طراحی راهبرد موازنه منفی سعی بر تعادل بین منافع قدرت‌های آن دوران در ایران دارد انگلیس را کمتر میبیند و نیاز کشور را به آمریکا بیشتر نشان میدهد اما اشغال در نسخه‌ی کودتا تکرار میشود مصدق نفت را ملی می‌خواهد و همینطور استقلال دولتش در تصمیم‌گیری را اما حتی با وجود دوری از شوروی راضی نیستند وقتی می‌شود محمدرضایی را بازگرداند که بهره برداری را به نهایت برساند ولو با شرکت اروپایی‌ها.

سابقه‌ی تعامل: با نگاهی که اعتقاد دارد می‌شود مخاصمات را با گفتگو حل کرد و فاصله‌ی بین ج و ا آمریکا به دلیل بلد نبودن زبان دنیاست ایران کم تجربه ندارد از خلف وعده‌های معاهده‌ی الجزایر تا پیش دستی آنها در تحریم، مشارکت در جنگ عراق، شرور خواندن ایران در اضلاع سه گانه، بن بست ۱۰ ساله‌ی مذاکرات هسته‌ای تا اقدام همین رئیس‌جمهور فعلی منتهی در دوره‌ی قبل اش که خروج از برجام باشد. کفایت نمی‌کند و بخشی از رجال با تیر احیای برجام دنبال بازگشت به میز مذاکره بودند نتیجه اش در دوران آقای باقری شد نبودن ساز و کار تضمین در قوانین آمریکایی و تا همین چند ماه پیش مذاکرات غیر مستقیم مسقط اتفاقا در همین تجربه‌ی آخر گواه تمام شد و فخارت مذاکرات رسیدن به گزینه‌ی جنگ در حین گفتگو از طرف مقابل بود. رویا و نقشه‌ی آمریکایی مشخص است بلعیدن ایران با تمام ذخایر و منابع خود یا به تعبیر دیگر هضم ایران در نظم اسرائیلی منطقه.